


پژوهش‌های زبانی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
(از ص ۲۱ تا ص ۴۳)

 10.22059/jolr.2020.281064.666505
Print ISSN: 1026-2288 --Online ISSN: 2676-3362
<https://jolr.ut.ac.ir>

Split DP in Persian - A Minimalist Approach

Tayebeh Asadimofarah¹

Ph.D. Candidate, Linguistics Department, University of Tehran

Ali Darzi

Professor, Linguistics Department, University of Tehran

Received: May, 11, 2019 & Accepted: December, 3, 2019

Abstract

This study is an investigation of multiple-*râ* constructions as an instance of so-called *split DP* in Persian in the Minimalist framework. In principle, DP splitting may give rise to another phenomenon, namely, *syntactic doubling*. This phenomenon, as its name suggests, involves the occurrence of more than one syntactic marker in a syntactic object. In Persian, this marker is the accusative Case marker *-râ*. To account for the multiple occurrence of *-râ*, we follow Kahnemuyipour's (2014) treatment of adjectival *Ezafé* construction as involving a head final NP. We then analyze split DPs in Persian as a byproduct of topicalization and focalization of inner elements of DPs. So given the Topic and Focus interpretation of syntactic objects in the constructions under investigation and their relative order, we posit TopP and FocP projections in a domain between head D and NumP. It is worth noticing that in linguistics theorizing the Split DP construction corresponds to split CP as proposed by Rizzi (1997). With respect to accusative Case marker then we adopt Darzi's (2006) treatment of *-râ* as the morphological realization of *dependent Case* in the domain of *V + I* in Persian. Under Baker and Vinokurova's (2010), Preminger's (2014) and Baker's (2015) proposals, the dependent Case marker appears on a DP which is c-commanded by another DP in a certain domain if the latter is not yet valued for Case. In this respect, finally, we employ the mechanism of *subextraction* from the main DP as a result of which the extracted element altogether carries other Case marker to a higher DP upon extraction. With regard to nominative Case, after adopting Levin and Preminger's (2014) proposal, namely, *unmarked Case*, which in turn appears as a result of the interaction between I/T and being in the domain proposed by Bobaljik (2006,2008) and Darzi (2006), we maintain that *subextraction* is also accounted for constructions with multiple nominative Case.

Keywords: *-râ*, Split DP, Case, Dependent Case, Subextraction

1. corresponding author's e-mail: asadimofarah@ut.ac.ir

گروه حرف تعریف شکافته در زبان فارسی - رویکردی کمینه‌گرا

طیبه اسدی مفرح^۱

دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران

علی درزی

استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش مقاله ۹۸/۹/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر بر پایه برنامه کمینه‌گرا، به بررسی و تبیین ساخت‌های دارای چند «را» به‌عنوان نمونه‌ای از ساخت‌های موسوم به گروه حرف تعریف شکافته^۱ می‌پردازد. شکافت در ساختمان گروه حرف تعریف، خود، می‌تواند فرایند دیگری با نام مضاعف‌سازی نحوی را به‌دنبال آورد. در فرایند اخیر، همان‌گونه که از نامش پیداست، تظاهر بیش از یک نشانگر نحوی ممکن خواهد بود. در زبان فارسی نیز این نشانگر، همان حالت‌نمای مفعولی با صورت آوایی «را» است. به‌منظور تبیین چگونگی تظاهر این تکواژ و شکل مضاعف آن، ابتدا، به پیروی از کهنمویی‌پور (۲۰۱۴)، ساخت اضافه‌وصفی را هسته‌انتهای فرض می‌کنیم. سپس، شکل‌گیری گروه حرف تعریف شکافته را بازتابی از مبتداسازی و تأکید عناصر درونی گروه حرف تعریف قلمداد می‌کنیم. از آن‌جا که وجود خوانش‌های مبتدگونه یا تأکیدی نیز مستلزم حضور فراقکن‌های مبتدا TopP یا تأکید FocP است، به حضور این فراقکن‌ها درون گروه حرف تعریف قائل می‌شویم و جایگاه پیشنهادی آن‌ها را با نظر به شواهد تجربی و ترتیب قرارگیری عناصر در گروه اسمی در حد فاصل بین هسته D و NumP تعیین می‌کنیم. گفتنی است گروه حرف تعریف شکافته متناظر با گروه متمم‌ساز شکافته (Split CP) است که از سوی ریتزی (۱۹۹۷) در نظریه زبانی پیشنهاد شده است. در ادامه، همسو با درزی (۱۳۸۸)، تکواژ «را» را تظاهر حالت وابسته در حوزه V+ I می‌دانیم. حالت وابسته، مطابق با رویکرد بیکر و وینوکوروا (۲۰۱۰)، پرمینجر (۲۰۱۴) و بیکر (۲۰۱۵)، در حوزه‌ای مشخص به گروه حرف تعریفی اعطای می‌شود که تحت سازه‌فرمانی گروه حرف تعریف دیگر فاقد ارزش برای مشخصه حالت است. سرانجام، در خصوص رخداد بیش از یک «را» نیز به فرایند زیرخروج^۲ قائل می‌شویم که در نتیجه آن، عنصر خارج‌شده از درون گروه حرف تعریف اصلی «را»ی دریافت‌شده را در سطح آوایی با خود حمل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: «را»، گروه حرف تعریف شکافته، حالت، حالت وابسته، زیرخروج.

۱. مقدمه

در سیر پژوهش‌های زبان فارسی کم‌تر عنصری را می‌توان یافت که به اندازه تکواژ «را» توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده باشد. هدف اصلی تحلیل‌های انجام‌شده

در مورد این تکرار، تبیین علت وجود، جایگاه‌های ظهور آن و نقش معنایی آن در جمله است؛ اما مسئله ظهور بیش از یک «را» هنوز قابل بررسی می‌نماید. در این بین، الگوی مورد بررسی جملات (۱) و (۲) خواهند بود.

(۱) [سیب رسیده‌اش] دوست دارم.

(۲) [لوبیاز پخته‌اش سردش] دوست دارم. (قمشی: (۵۲)، ۱۵۹:۱۹۹۷)

در کنار ساخت یادشده در حالت مفعولی، همتای حالت فاعلی در شکل شکافته آن مانند نمونه‌های (۳) و (۴) نیز وجود دارد.

(۳) بچه مؤدبش دوست داشتی تره.

(۴) توی این منطقه خونه بزرگش روبه‌آفتابش گرون تره.

این ساخت که در پژوهش‌های پیشین با نام ساخت مقیدکننده واژه‌بست^۱ شناخته شده است ساخت وصفی دارای واژه‌بست مضاعف و بیش از یک حالت‌نما است. ساخت ذکرشده که به پیروی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در دیگر زبان‌ها آن را گروه حرف تعریف شکافته در نظر می‌گیریم، در گونه محاوره‌ای زبان فارسی یافت می‌شود که گونه مورد توصیف پژوهش حاضر است. شایان ذکر است که ساخت دارای نشانگرهای مضاعف حالت و مبتدا در زبان‌های مختلفی از جمله ژاپنی، روسی، عربی، لاتین، استونیایی و بسیاری دیگر از زبان‌ها یافت می‌شود؛ به‌عنوان مثال در نمونه (۵) از زبان لهستانی می‌توان تظاهر چندگانه نشانگر حالت را مشاهده کرد.

(5) Którego uważasz studenta za najlepszego składniowca?
Which ACC consider.2S student ACC as best ACC syntctician ACC
'Which student do you consider to be the best syntactician?'

(سیتکو: (۱۹)، ۳۴:۲۰۱۴)

در زبان فارسی دیدگاه‌های مختلفی در باب ساخت مقیدکننده واژه‌بست در حالت وصفی مانند جملات (۱) و (۲) بیان شده است. از آن بین می‌توان به قمشی (۱۹۹۷)، گنجوی (۲۰۰۷) و دبیرمقدم (۱۳۸۳) اشاره کرد.

قمشی (۱۹۹۷) گروه حرف تعریف موجود در جمله‌ای نظیر (۲) را چالشی بر نظریه حالت می‌داند. وی فرضیه حضور شاخص‌های چندگانه در فراقنن مطابقه^۱ را

1. clitic binder construction (CBC). 2. Citko, B.

دلیلی برای توجیه حالت‌گیری اسامی دارای چند «را» بیان می‌کند. مطابق با این فرضیه، «را» توسط هسته تهی گروه مطابقه در بخش بازنمون به این اسامی اختصاص داده می‌شود؛ اما از دید وی رویکرد حالت‌دهی به شاخص‌های چندگانه به دلایلی از جمله ممکن نبودن این نوع حالت‌گیری در حالت فاعلی در نمونه‌ای مانند (۶) نادرست به نظر می‌رسد.

(۶) * «لوبیا پخته‌اش سردش خوشمزه است» (قمشی: (۶۶)، ۱۶۵: ۱۹۹۷)

وی در نهایت، تمام گروه‌های اسامی دارای دو یا بیش از دو «را» را مبتداهای فرافکن گروه فعلی (VP) قلمداد می‌کند که در جایگاه اتصال به گروه فعلی تولید درجا شده‌اند و می‌توانند حالت خود را از هسته فرافکن حالت (KP) دریافت کنند. در خصوص نظرات قمشی اشاره به یک نکته ضروری است و آن این که بنا بر شم زبانی گویشوران فارسی‌زبان، به هر میزان که جمله (۲) خوش‌ساخت می‌نماید همتای با حالت فاعلی آن در جمله (۶) نیز خوش‌ساخت است؛ بنابراین هرگونه تحلیل اختصاص حالت «را» می‌تواند راه‌گشای تحلیل حالت فاعلی مضاعف در زبان فارسی نیز باشد. گنجوی (۲۰۰۷) پس از اشاره به تحلیل قمشی (۱۹۹۷) از مبتداهای سطح گروه فعلی، ساختار جمله مطرح شده در مقاله وی را از نظر معنایی مشابه با ساخت‌هایی از زبان ژاپنی در نمونه (۷) می‌داند.

(7) watakusi-wa tabako-wa suimasu-ga sake-wa Nomimasen

I cigarette smoke wine drink-not

‘As for myself, I do smoke, but I don’t drink.’ (کونو: ۲، ۴۸: ۱۹۷۳)

وی همسو با کونو (۱۹۷۳) عنوان می‌کند در جمله‌ای مانند (۲) نخستین سازه دارای «را» خوانش مبتدایی دارد و بقیه ساختار دارای خوانش تقابلی است. دبیرمقدم (۱۳۸۳) نیز در تحلیل جملاتی که بیش از دو «را» دارند، در نقد تحلیل قمشی از جمله‌ای مانند (۲) ساخت اضافه را برای زیرساخت آن‌ها در نظر می‌گیرد و حالت روساختی آنها را نتیجه جابه‌جایی و برجاماندن واژه بست لحاظ می‌کند. او زیرساخت پیشنهادی قمشی در (۸) که از دید قمشی فرایند حرکت در آن صورت نگرفته و به همین دلیل بدساخت است را نادرست می‌داند و جمله (۹) را زیرساخت واقعی این جمله در نظر می‌گیرد.

(۸) * سردِ پخته لوبیا رُ دوست دارم. (دبیرمقدم: (۱۵، ۱۳۸۳:۲۳۸)

(۹) لوبیایِ پخته سردُ دوست دارم. (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۱۷)

دبیرمقدم از این زیرساخت دو روساخت دیگر به دست می‌دهد که عبارتند از:

(۱۰) الف: لوبیایِ پخته رُ سردشُ دوست دارم. (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۱۶)

(۱۰) ب: لوبیارُ پختشُ سردشُ دوست دارم. (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۱۴)

در تحلیل وی از جمله (۱۰) الف، سازه «لوبیایِ پخته» منفک و در جای آن واژه بست ظاهر شده است؛ اما این واژه بست، برای اتصال، به جایگاه پس از صفت؛ یعنی «سرد» حرکت کرده و صورت «سردش» حاصل شده است. در اشتقاق (۱۰) ب نیز همین نوع پیشایندسازی و اتصال واژه بست دو بار اتفاق افتاده است. با یک بار پیشایندسازی «لوبیایِ پخته» از زیر ساخت (۹)، جمله (۱۰) الف حاصل شده و بار دیگر موصوفِ سازه «لوبیایِ پخته رُ» (لوبیا) از نمونه (۱۰) الف منفک شده است.

علاوه بر پیشینه گفته شده تاکنون، زبان‌شناسان دیگری مانند درزی (۱۹۹۶)، تفکری رضایی (۱۳۸۹) و مرزبان و درزی (۱۳۹۳) نیز به دیگر ساخت‌های مقیدکننده واژه بست در حالت غیر وصفی با نام فک اضافه^۱ پرداخته‌اند.

درزی (۱۹۹۶) بین ساخت‌های تکرار با واژه بست^۲ و فک اضافه تفاوت قائل می‌شود. وی اعتقاد دارد در ساخت‌های تکرار با واژه بست، گروه اسمی به همراه واژه بست خود، نقش معنایی واحدی دارند و بر روی هم نقش موضوع فعل یا متمم حرف اضافه را ایفای می‌کنند. تفکری رضایی (۱۳۸۹) جایگاه فرود عنصر منفک شده از درون فاعل و مفعول را جایگاه واحدی نمی‌داند؛ بدین شکل که با قائل شدن به رویکرد حرکت در برابر تولید درجا در مورد این ساخت‌ها، محل فرود سازه جابه‌جاشده در حالت مفعولی را بر فراز گروه زمان و در جایگاه غیرموضوع در نظر می‌گیرد. در مورد فک اضافه‌های فاعلی با ترکیب اضافی (ملکی) نیز جایگاه موضوع شاخص دوم گروه زمان را به عنوان فاعل مضاعف در نظر می‌گیرد.

بنابر آنچه گذشت، پس از مقدمه و پیشینه حاضر، به منظور تبیین ساخت‌های یادشده، در بخش دوم، به ذکر شواهد تجربی و نظری بر وجود گروه حرف تعریف شکافته و حضور فرافکن‌های مبتدا و تأکید در حوزه درونی این گروه نحوی خواهیم

1. Ezafe disjunction = Clitic Left Dislocation (CLLD). 2. Clitic Doubling (CLD)

پرداخت. سپس، پیش از تحلیل ساخت‌های مورد بررسی، در بخش سوم، ساخت درونی گروه‌های وصفی در زبان فارسی را نشان می‌دهیم. در بخش چهارم، به فرایند شکافت در گروه‌های حرف تعریف می‌پردازیم. حالت وابسته در گروه‌های مفعولی زبان فارسی نیز در بخش پنجم از این پژوهش ارائه می‌شود. در بخش ششم، مسئله تظاهر «را»ی مضاعف در گروه‌های حرف تعریف شکافته مورد بررسی قرار می‌گیرد. سرانجام، بخش هفتم، به نتیجه‌گیری از مباحث این پژوهش اختصاص خواهد داشت.

۲. گروه حرف تعریف شکافته - شواهد نظری و تجربی

زبان‌شناسانی چون الکسیادو (۲۰۱۴)^۱ بر این باورند که تولید چندگانه نشانگرهای نحوی را می‌توان با رویکردهای مختلفی از جمله رویکرد بافتی، معنایی و نحوی مورد بررسی و تحلیل قرارداد. بررسی نگارندگان حاکی از آن است که در زبان فارسی نیز تظاهر بیش از یک نشانگر نحوی (مضاعف‌سازی نحوی)^۲ را می‌توان با توجه به رویکردهای گفته‌شده بررسی نمود. براساس این دیدگاه‌ها عواملی چون قرارگیری در بافت توصیفی، قرارگیری در بافت گفتمانی مبتدا یا انحصار و تأکید، حضور نوعی از صفات محمولی مشتق‌شده از جمله‌واره موصولی، قرارگیری در بافت معین بودگی (معرفگی)^۳ و مشخص‌بودگی^(۱) مجموعه عوامل دخیل در تولید ساخت‌های مورد نظر هستند. به همین ترتیب، در رویکرد نحوی، عواملی چون زیرخروج، قلب نحوی کوتاه، مبتدایرجستگی^۴ و شکافته‌شدن گروه حرف تعریف از دیگر عوامل تأثیرگذار برشمرده می‌شوند. گفتنی است در این پژوهش، علاوه بر مؤثر دانستن تمام مؤلفه‌های نام‌برده‌شده در تولید این نوع ساخت زبانی، تمرکز اصلی بر روی عامل نحوی شکافت در گروه حرف تعریف است که به عنوان مهم‌ترین عامل در تولید ساخت‌هایی از این دست برگزیده و بررسی شده‌است. در زیر، به شرح پیشینه این فرایند در مطالعات زایشی می‌پردازیم و سپس شواهد دال بر وجود این ساخت را در زبان فارسی ارائه می‌دهیم.

1. Alexiadou, A. 2. syntactic doubling. 3. definiteness. 4. topic-prominency

فرایند شکافت گروه حرف تعریف (مبتداسازی شکافته)^۱ که در آن شاهد عدم پیوستگی در اجزای گروه اسمی هستیم، با توجه به مطالعات بین زبانی فانسلو و فری^۲ (۲۰۰۶) در بیش از صد زبان دنیا یافت می‌شود؛ به‌عنوان مثال نمونه‌های (۱۱) از زبان لاتین و (۱۲) از زبان گرجی^(۳) از این دست هستند.

(11) noster hic opulous
our.NOM.SG this.NOM.M.SG people.NOM.M.SG
'This people of ours' (جیوستی و ایووینو: (۲۰)، ۳۸: ۱۶)

(12) bit□'-m Maya-s c'ign-i sam-m uq'ida
bought boy-ER Maya-DAT book-NOM three-ERG
'As for boys, three (boys) bought Maya a book'

(فاحس: (۸)، ۳: ۱۷)^(۴)

در ادامه، پیامدهای نحوی فرایند شکافت در گروه حرف تعریف زبان فارسی را که گویی حاکی از وجود گروه حرف تعریف شکافته در این زبان است برمی‌شماریم. الف: وجود ویژگی واژ- نحوی^۵ شمار؛ مانند نشانگر جمع (توافق^۶ در شمار) که در هر دو سازهٔ موصوف و صفت در گروه حرف تعریف یکسان است. این پدیده، در زبان فارسی نیز همسان با برخی زبان‌ها مانند گرجی است که در شکل پیوستهٔ گروه حرف تعریف آن‌ها فرایند توافق در گروه اسمی دیده نمی‌شود؛ اما به محض شکافته شدن، توافق در شمار بین موصوف و صفت در آن‌ها شکل می‌گیرد؛ مانند نمونه (۱۳) ب در زیر که شکل ناپیوسته و شکافته (۱۳) الف محسوب می‌گردد.

(۱۳) الف لباس‌های قرمز داخل این قفسه نگه‌دار.

(۱۳) ب لباس‌ها قرمزهاشون داخل این قفسه نگه‌دار.

ب: ترتیب آزاد قرارگیری و وجود خوانش نشاندار و گفتمانی با اهداف مبتدا یا تأکید در تناظر با خوانش‌های موجود در جمله را می‌توان شاهد شکافت و وجود نقشه نگاری^۲ در گروه حرف تعریف در نظر گرفت. مقصود از نقشه‌نگاری نیز لحاظ کردن فرافکن‌های مبتدا و تأکید متناسب با خوانش‌های گفتمانی است که در بازنمایی

1. split topicalization. 2. Fanselow, G. & C, Frey. 3. Guisti, G & R, Iovino. 4. Fuchs, S. 5. morpho-syntactic feature. 6. Concord.

1. cartography. 2. Object Shift (OS). 3. Sportiche, D. 4. Jayaseelan, K. A. 5. Putnam, M. T.

خطی نمونه‌های (۱۴) در حالت مفعولی و همچنین (۱۵) با حالت فاعلی نشان داده شده‌است.

(۱۴) من [DP2]TopP لباسُ [DP1]FocP قرمزشُ [] بیشتر دوست دارم.
 (۱۵) تو این منطقه [DP2]TopP خونهُ بزرگ [DP1]FocP ارزون ترش [] هم هست؛
 اما سخت گیرمیداد.

ج: تظاهر بیش از یک نشانگر حالت «را» یا همان مضاعف‌سازی نحوی که نمونه های فراوانی از آن تا کنون به‌دست داده‌شد نیز شاهد دیگری بر حضور شکافت درون گروه حرف تعریف است.

لازم‌به‌ذکر است که امکان وقوع زنجیره «لوبیارُ سردشُ» در جایگاه فاعل ساختی که درزی (۲۰۰۶) آن را ساخت خرده‌جمله می‌داند حاکی از آن است که این زنجیره یک گروه حرف تعریف واحد است که درون آن حرف تعریف دیگری لانه‌گیری کرده- است؛ مانند نمونه (۱۶).

(۱۶) [من [DP]AgrP لوبیارُ سردشُ [برای سلامتی [Pred] مضر] می‌دونم^(۴)].
 به‌علاوه، ما نیز به پیروی از کریمی (۲۰۰۵:۱۰۹) فرایند فراگشت مفعول مستقیم^۱ را پیش‌شرط حضور «را» به عنوان نشانه حالت بر روی آن و جایگاه فرود آن را نیز شاخص پایین‌تر گروه فعلی کوچک (گروه جهت) در نظرمی‌گیریم. نکته دیگر آن‌که عناصر مبتدأ شده درون گروه حرف تعریف در ساخت‌های مورد نظر نگارندگان همسو با اسپورتیش^۲ (۱۹۹۲) در بردارنده مشخصه [TOP] هستند و نه [REF]؛ بنابراین با توجه به خوانش درباره چیزی بودگی (as for x) موجود، صرفاً قلب نحوی به سمت گروه فعلی کوچک مانند برخی زبان‌های آلمانی غربی - بدون فرافکنده‌شدن فرافکن مبتدا - این مشخصه معنایی و گفتمانی را برآورده نمی‌کند. در نتیجه همسو با بسیاری از زبان شناسان همچون جایاسیلان^۴ (۲۰۰۱) و پوتنام^۵ (۲۰۰۶) لزوم حضور فرافکن مبتدا را در این ساخت نحوی ضروری می‌دانیم. دیگر آن‌که در تحلیل پیشنهادی این پژوهش حضور فرافکن‌های مبتدا یا تأکید، با توجه به خوانش‌های موجود در این گروه‌ها و البته از همه مهم‌تر بر اساس شواهدی زبانی مانند (۱۶) درون گروه حرف تعریف در نظر گرفته می‌شود که نسبت به حرکت خارج از آن کوتاه‌تر و اقتصادی‌تر نیز است.

۳. ساخت درونی گروه های وصفی در زبان فارسی

در آغاز این بخش، یادآور می‌شویم برخلاف تحلیل‌های پیشین که در بخش مقدمه به آن‌ها اشاره شد، هیچ زیرساخت دارای کسره اضافه‌ای را برای گروه‌های حرف تعریف شکافته در نظر نمی‌گیریم؛ بنابراین، توالی زیرساختی نمونه مورد نظر در تحلیل این پژوهش مانند (۱۷)ب، (۱۷)الف خواهد بود. این زیرساخت همان توالی جهانی پیشنهادی چینکوئه^۱ (۲۰۱۰) در مورد جایگاه قرارگیری صفات است که کهنمویی پور (۲۰۱۴) نیز آن را به عنوان توالی زیرساختی ساخت اضافه برای زبان فارسی پیشنهاد می‌دهد.

(۱۷)الف پخته لوبیاز دوست دارم.

(۱۷)ب لوبیاز پخته‌اش دوست دارم.

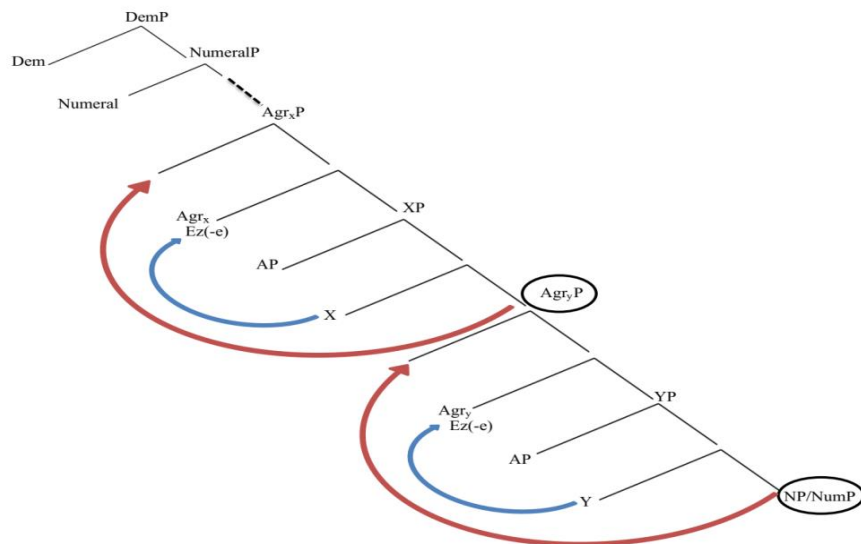
در تحلیل حاضر، گروه اسمی در زبان فارسی به پیروی از کهنمویی پور (۲۰۱۴) همچون گروه زمان هسته‌انتهای فرض شده است؛ بدین معنا که موصوف پس از صفت قرار می‌گیرد. هسته گروه اسمی با حرکت گردونه‌ای^۲ به سمت فرافکن مطابقت حرکت می‌کند و کسره اضافه در نتیجه این حرکت گردونه‌ای تظاهر می‌یابد. مراحل اشتقاق ساخت اضافه وصفی و چگونگی تظاهر کسره اضافه را با توجه به بازنمایی (۱۸) در زیر از نظر می‌گذرانیم.

پس از تشکیل گروه اسمی (NP)، این گروه با هسته Y ادغام می‌گردد. با ادغام گروه صفتی در شاخص هسته Y، فرافکن نقشی YP همسو با رویکرد چینکوئه (۲۰۱۰) شکل می‌گیرد و فرافکن مطابقت Agr_yP نیز بر فراز آن لحاظ می‌شود. فرافکن اخیر از دیدگاه اشلونسکی (۲۰۰۴)^۳ مشخصه‌های معنایی صفت میزبان و همسو با رویکرد چینکوئه (۱۹۹۴) مشخصه‌های شخص و شمار را در زبان‌هایی که این مشخصه را دارند با خود حمل می‌کند.^(۵) حال، هسته Y به هسته فرافکن Agr_yP و گروه اسمی (NP) به جایگاه شاخص این فرافکن حرکت می‌کنند. با همین ترتیب گفته شده، به دلیل حضور صفتی دیگر که در شاخص فرافکن نقشی XP می

1. Cinque, G. 2. roll-up movement. 3. Shlonsky, U.

نشیند، فرافکن مطابقاً دیگری مانند Agr_xP به چرخه اشتقاق وارد می‌گردد و دیگر فرافکن‌های میانی مربوط به آن نیز فرافکن می‌گردند. در نهایت، کسره اضافه در رابطه شاخص- هسته و حرکت گردونه‌ای، همسو با دن‌دیکن^۱ (۲۰۰۶) با ماهیت یک رابط^۲ در جایگاه هسته Agr_yP و Agr_xP ظاهر می‌یابد. گفتنی است در این نمودار به دلیل خالی بودن شاخص گروه حرف تعریف از بازنمایی این شاخص خودداری شده‌است. همچنین، با توجه به توضیحات گفته‌شده، گروه حرف تعریف «غذای مفید خوشمزه» در نمونه (۱۸) با توالی زیرساختی بدون کسره اضافه یعنی «مفید خوشمزه غذا» به‌عنوان یک گروه اسمی هسته‌انتهای که دارای دو صفت و دو کسره اضافه است در نظر گرفته شده‌است.

(۱۸) غذای مفید خوشمزه



نمودار (۱)، برگرفته از کهنمویی‌پور؛ (۱۷): ۲۰۱۴

با این توضیحات، در بخش بعد به بررسی گروه‌های حرف تعریف شکافته در زبان فارسی می‌پردازیم.

۴. گروه حرف تعریف شکافته

1. Dikken, M,den. 2. linker

با قبول توالی زیرساختی گفته‌شده، به پیروی از نظرات جدید در مورد ساختار درونی سازه‌های نحوی، قائل به وجود فرافکن‌های نقشی TopP و FocP درون گروه حرف تعریف می‌شویم. در تمام نمونه‌های مورد بررسی در این بخش، به لحاظ زمان-بندی^۱ و با فرض هسته‌انتهای بودن گروه اسمی، ابتدا تمامیت این گروه‌ها - به عنوان مثال «پخته لوبیا» - را پس از ادغام در کنار هسته فعلی، **بدون تظاهر کسره اضافه** در نظر می‌گیریم. بنابراین، در بازنمایی ساختی مانند «لوبیاز پخته‌اش» که در سطح بیان فاقد کسره اضافه است و در هیچ سطحی از اشتقاق نیز دارای کسره اضافه نخواهد بود، از فرافکن کردن گروه مطابقه و فرافکن‌های میانی مربوط به آن چشم‌پوشی می‌کنیم. در مواردی دیگر مانند «لوبیای پخته سردش» به دلیل حضور کسره اضافه با همان روال گفته‌شده، ابتدا، زنجیره‌ای که دارای توالی زیرساختی پیش از تظاهر کسره است دستخوش فرایند حرکت موصوف می‌شود و هرگونه تظاهر کسره اضافه و شکافت پس از این مرحله رخ خواهد داد. طبیعتاً، در مواردی از این دست نیاز است که فرافکن مطابقه را به دلیل تظاهر کسره اضافه لحاظ نماییم. ساخت‌های مورد بررسی در این بخش، جملات نمونه‌ای نظیر (۱۹) تا (۲۲) خواهند بود.

(۱۹) [لوبیاز پخته‌اش] دوست دارم. (ساخت ارتقا یافته با «را»ی مضاعف)

(۲۰) [لوبیای پخته سردش] دوست دارم. (ساخت ارتقا یافته با «را»ی مضاعف)

(۲۱) [لوبیای پخته سردش] دوست دارم. (ساخت ارتقا یافته با «را»ی مضاعف)

(۲۲) [لوبیاز پخته‌اش سردش] دوست دارم. (ساخت ارتقا یافته با چند «را»)

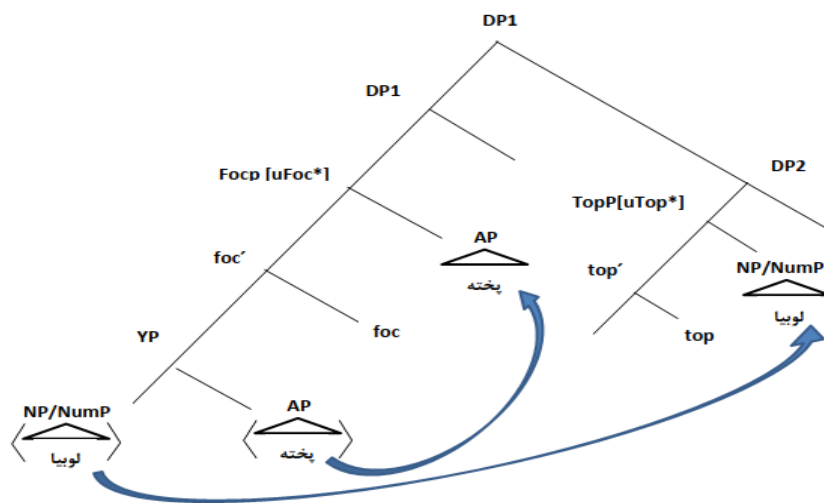
حال، با در نظر گرفتن این داده‌ها و **بدون عنایت به حضور حالت‌نمای «را»** توجه به چند نکته ضروری است. نخست این‌که در بازنمایی‌های پیش رو جایگاه فرافکن‌های مبتدا (TopP) و تأکید (FocP) را با توجه به اصل جهانی پیشنهادی جیوستی و ایووینو (۲۰۱۶) و دیگر آثار موجود، برای زبان فارسی در فاصله بین هسته گروه حرف تعریف (D) و فرافکن شمار (NumP) لحاظ می‌کنیم. دیگر آن‌که در خصوص مقوله واژه‌بست مضاعف به پیروی از چامسکی^۲ (۱۹۹۵) و درزی (۱۹۹۶) در مورد زبان فارسی معتقدیم این عنصر مقوله‌ای نه از نوع گروه؛ بلکه از سطح صفر

1. timing

2. Chomsky, N.2. Wager, J.S.

است و با حرکت سازه‌های اسمی می‌تواند برجای‌بماند. همچنین همسو با شم زبانی گنجوی (۲۰۰۷)، در جملات یادشده به عنوان مثال در (۱۹) سازه «لوبیا» را دارای خوانش مبتدا می‌دانیم. این خوانش مطابق با نظر ویجر (۱۹۸۳)^۲ به صورت «اکنون که صحبت از لوبیا است. / تا جایی که به لوبیا مربوط می‌شود.» قابل تعبیر است. توجه نمایید که حرکت گروه‌های صفتی منجر به درج هیچ‌گونه واژه‌بستی نمی‌گردد؛ زیرا همسو با جیوستی (۲۰۱۷) و دیگر زبان‌شناسان، صفات، برخلاف اغلب گروه‌های حرف تعریف خاصیت ارجاعی ندارند؛ بنابراین با حرکت گروه‌های صفتی مانند «پخته» یا «سرد» به سمت فرافکن تأکید (FocP)، شاهد درج ضمیر تکراری نخواهیم بود. از سوی دیگر گروه‌های صفتی مانند «پخته» یا «سرد» آشکارا دارای خوانش تأکید تقابلی هستند؛ بدین معنا که مثلاً «لوبیای پخته‌اش» دوست دارم، نه پخته‌اش». با در نظر گرفتن این موارد، می‌توان بازنمایی جمله (۱۹) را در (۲۳) مشاهده کرد.

(۲۳)



نمودار (۲)، بازنمایی گروه حرف تعریف جمله (۱۹)

در این بازنمایی، گروه صفتی (پخته) به دلیل خوانش تأکیدی دارای مشخصه تعبیرپذیر تأکید [Foc] و همتای تعبیرناپذیر آن نیز با مشخصه قوی [*ufoc] در فرافکن تأکید (FocP) حاضراست. به دلیل قوی بودن این مشخصه، گروه صفتی مزبور به شاخص فرافکن تأکید حرکت کرده و ساخت میانی «پخته‌لوبیا» شکل

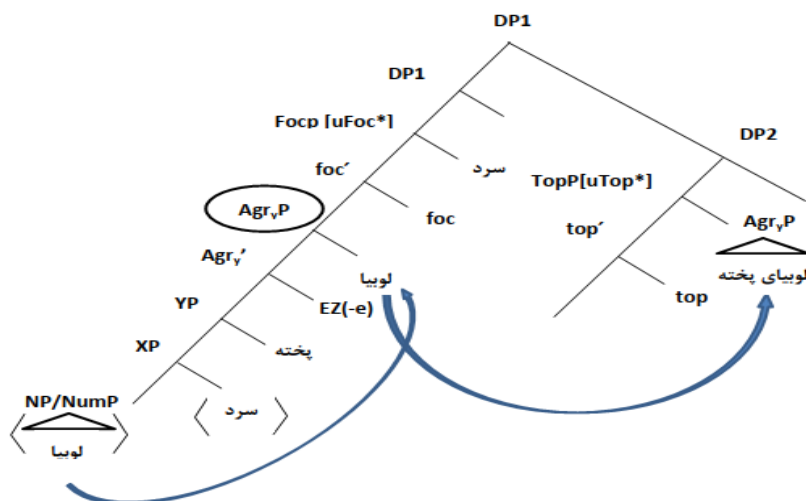
می‌گیرد که زنجیره‌ای خوش‌ساخت نیست و نیاز به حرکتی دوباره است تا به تظاهر واژه‌بست مضاعف و روساخت نهایی منجر گردد. این بار، نوبت به سازه «لوبیا» می‌رسد که خوانش مبتداگونه خود را با حرکت و قرارگیری در شاخص فرافکن مبتدا (TopP) بیابد. انگیزه ارتقای این گروه نحوی یافتن خوانش مبتدایی و بازبینی مشخصه قوی تعبیرناپذیر [utop*] بر روی فرافکن مبتداست. شایان ذکر است از آن جا که این سازه نیز در سطح بیان، در نهایت، پس از فرایند زیرخروج، تکواژ «را» را دریافت خواهد نمود و همچنین به این دلیل که در زبان فارسی صرفاً گروه‌های حرف تعریف کامل^۱ امکان دریافت تکواژ «را» را دارند؛ بنابراین نیاز است تا گروه حرف تعریف کامل دیگری (DP2) به عنوان گروه حرف تعریف درونه‌گیری شده فرافکن گردد تا فرافکن اخیر (TopP) نیز بتواند درون آن جای‌گیرد. بدین منظور، ابتدا، DP دیگری بازتولید می‌گردد تا زمینه برای تبیین این واقعیت‌های تجربی فراهم‌آید. بدین ترتیب، سازه «لوبیا» با حرکت جانبی^۲ و فرود در شاخص فرافکن مبتدا در DP2، واژه‌بست «ش» را در کنار میزبان صفتی آن (پخته) برجای‌می‌گذارد. توجه نمایید که در بازنمایی (۲۳) به دلیل عدم تظاهر کسره اضافه پیش از صفت «پخته» از بازنمایی فرافکن Agr_vP پیشنهادی کهنمویی‌پور (۲۰۱۴) چشم‌پوشیده ایم.

برای اشتقاق جمله (۲۰)، ابتدا ساخت «پخته‌سردلوبیا» به‌عنوان توالی زیرساختی مورد نظر برای زنجیره «لوبیای پخته‌سردش» شکل‌می‌گیرد. از آن جا که در این ساخت، شاهد تظاهر کسره اضافه در ساخت «لوبیای پخته» هستیم، فرافکن Agr_vP فرافکن می‌گردد تا کل سازه (NP/NumP) با حرکت گردونه‌ای و قرارگرفتن در شاخص این فرافکن موجب تظاهر کسره اضافه در جایگاه هسته آن (Agr_v) گردد و بدین شکل، ساخت «لوبیای پخته» شکل‌گیرد. اکنون، نیاز است سازه «سرد» که دارای خوانش تأکیدی است به شاخص فرافکن FocP حرکت کند و مشخصه قوی [ufoc*] موجود بر روی این فرافکن بازبینی و حذف‌گردد. سازه صفتی «سرد» همچون روال توضیح داده‌شده در بازنمایی پیشین، نمی‌تواند از خود واژه‌بستی به‌جاگذارد. بنابراین، نیاز است تا کل فرافکن Agr_vP (لوبیای پخته) با حرکت به سمت فرافکن مبتدا در DP2 موجب درج واژه‌بست در کنار میزبان صفتی

1. full DP. 2. Sideward movement

خود (سرد) گردد. انگیزه این حرکت نیز بازبینی مشخصه قوی موجود بر روی فرافکن TopP در DP2 و حضور همتای تعبیرپذیر آن بر روی سازه جابه‌جاشده است. اشتقاق بیان‌شده را می‌توان در بازنمایی (۲۴) مشاهده کرد.

(۲۴)



نمودار (۳)، بازنمایی گروه حرف تعریف جمله (۲۰)

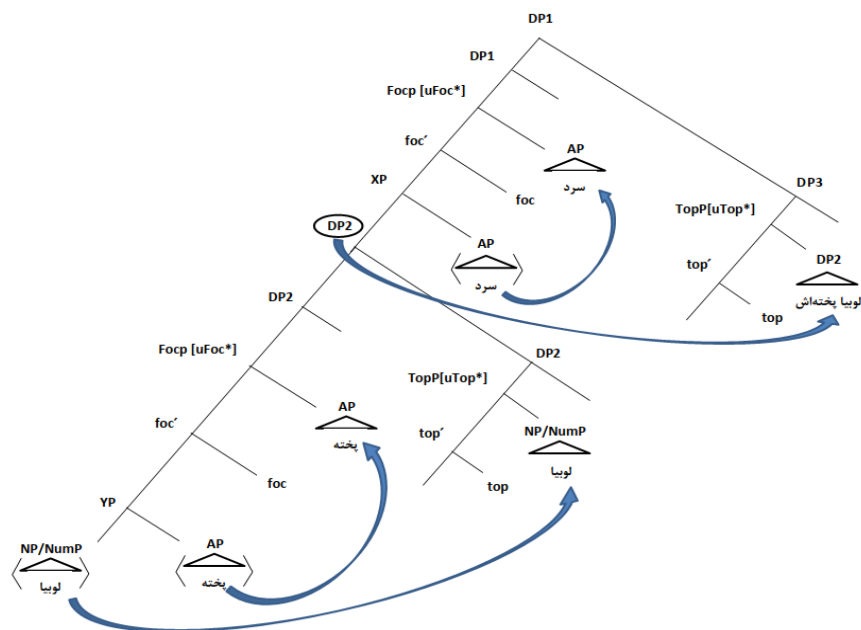
برای اشتقاق جمله (۲۱)، همان‌گونه که مشاهده می‌گردد با گروه اسمی مرکب «لوبیای پخته» روبه‌رو هستیم. در مورد این دسته از عناصر مرکب در پژوهش حاضر، رویکرد ما همچون کهنمویی‌پور (۲۰۱۴) و ترشیزی و سرویس (۲۰۱۸)^۱ است. بدین شکل که این نوع از گروه‌های حرف تعریف را مرکب‌های چپ‌هسته می‌نامیم. این رویکرد همچنین همسو با دیدگاه بسیاری دیگر از زبان‌شناسان از جمله صدیقی (۲۰۰۹، ۹)^۳ نیز است که عنوان می‌کند به صورت کلی ساخت صرفی (ساخت‌واژی) مانند ساخت مشتق یا مرکب از ساخت نحوی نشأت می‌گیرد؛^(۶) بدین معنا که ابتدا ساخت اضافه‌ای مانند «لوبیای پخته» در نحو ساخته می‌شود و پس از آن، زنجیره‌ای مانند «لوبیای پخته» به عنوان یک واژه مرکب در ساخت‌واژه شکل می‌گیرد. ناگفته پیداست در ساخت نهایی شکل گرفته یعنی «لوبیای پخته سردش» نیز همچنان با یک گروه حرف تعریف واحد که دارای گروه حرف تعریف درونه‌گیری

1. Torshizi, N. & E. Service. 2. left-headed compound. 3. Siddiqi, D.

شده‌ای است روبه‌رو هستیم. صرف نظر از تفاوت گفته‌شده در شکل‌گیری ساخت مرکب چپ‌هسته، سایر مراحل اشتقاق ساخت (۲۱) همچون نمونه (۲۰) است؛ بنابراین از بازنمایی مجدد آن در این بخش خودداری می‌کنیم.

در ساخت جمله (۲۲)، ابتدا با روال توضیح‌داده‌شده در بازنمایی‌های پیشین، از زیر ساخت «پخته‌سردلوبیا» ساخت «لوبیاز پخته‌اش» شکل می‌گیرد، سپس در این مرحله، کل فراقکن DP2 را که شامل زنجیره «لوبیاز پخته‌اش» است با انگیزه خوانش مبتدایی به درون DP3 ارتقا می‌دهیم. با ارتقای سازه «لوبیاز پخته‌اش» واژه بست «ش» در کنار سازه «سرد» درج می‌گردد. مراحل شکل‌گیری ساخت (۲۲) را می‌توان در بازنمایی (۲۵) از نظر گذراند. با این توضیحات، در بخش بعد، به بررسی حالت در ساخت‌های دارای نشانگر نحوی «را» می‌پردازیم.

(۲۵)



نمودار (۴)، بازنمایی گروه حرف تعریف جمله (۲۲)

۵. حالت وابسته در گروه‌های مفعولی زبان فارسی

از آن‌جا که رویکرد مورد پذیرش این پژوهش رویکرد حالت وابسته است، ابتدا لازم است نگاهی به پیشینه موجود به این نوع حالت در مطالعات زایشی بیاندازیم. در دستور زایشی دو رویکرد متمایز در خصوص چگونگی اختصاص حالت ساخت‌وازی

مطرح است. دیدگاه نخست - رویکرد چامسکیایی - قائل به اختصاص حالت از طریق هسته‌های نقشی است که مطابق با آن، حالت، در رابطه‌ای موضعی به نزدیک-ترین گروه اسمی تعلق می‌گیرد. دیدگاه دیگر، رویکرد سلسله مراتبی حالت، منسوب به مرنتز^۱ (۱۹۹۱) است. در این نظام سلسله‌مراتبی، حالت وابسته در پسانحو (PF) زمانی اختصاص می‌یابد که در یک حوزه واحد بیش از یک گروه اسمی برای دریافت حالت وجود داشته‌باشد. این نظام حالت از سوی زبان‌شناسانی چون بابلیک^۲ (۲۰۰۶)، بیکر و وینوکوروا^۳ (۲۰۱۰) و بیکر (۲۰۱۵) مورد بازنگری قرار گرفته‌است، با این توضیح که بابلیک با اندک تفاوتی همچون مرنتز اختصاص حالت را در پسانحو و بیکر و وینوکوروا آن در حوزه نحو می‌دانند. در این بین پرمینجر^۴ (۲۰۱۴) با ذکرشاهد میان‌زبانی فراوان و همچنین، لوین و پرمینجر^۵ (۲۰۱۴) با پذیرش نظام حالت وابسته مطرح‌شده از سوی بیکر و وینوکوروا آن را محصول نحو و نه پسانحو می‌دانند. سازوکار پیشنهادی بیکر و وینوکوروا (۲۰۱۰) برای اعطای حالت وابسته در (۲۶) آمده است.

(۲۶) اگر NP1 بر NP2 سازه‌فرمانی داشته‌باشد و هر دو در یک حوزه^(۷) باشند، حالت اختصاص‌یافته به NP2 حالت مفعولی خواهد بود؛ مگر آن‌که NP1 از پیش حالت خود را دریافت کرده‌باشد. (بیکر و وینوکوروا: (۴b)، ۵۹۵: ۲۰۱۰)

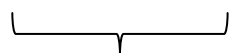
شواهد تجربی زبان فارسی که در آن‌ها تکواژ مفعولی «را» بدون دخالت و حضور هسته نقش‌نمای فعل متعدی تظاهر می‌یابد (نک، پانوش (۹)) حاکی از آن است که نظام حالت وابسته پیشنهادی بیکر و وینوکوروا (۲۰۱۰) و بیکر (۲۰۱۵) و نه نظام مطابقه در زبان فارسی قابل پذیرش است. گفتنی است حوزه اختصاص حالت در دیدگاه ایشان قابل انطباق با حوزه‌ای است که پیش‌تر درزی (۱۳۸۸) با ذکر شواهد تجربی مختلف همسو با بابلیک (۲۰۰۶) برای اختصاص تکواژ «را» در زبان فارسی پیشنهاد داده‌است. درزی (۱۳۸۸) با ذکر شواهدی از زبان فارسی تصریح می‌کند در این زبان، تکواژ «را» به گروه‌های حرف تعریف واردشده به حوزه V + I

1. Marantz, A. 2. Bobaljik, J.D. 3. Baker, M & N, Vinokurova. 4. Preminger, O. 5. Levin, T. and O. Preminger.

تعلق‌می‌گیرد. همچنین درزی و انوشه (۱۳۸۹) در پژوهشی دیگر حرکت فعل اصلی^(۸) (V) به حوزه گروه زمان (I/T) را یادآور می‌شوند. با در نظر گرفتن این مقدمات، عنوان‌می‌کنیم نگارندگان، حالت گروه‌های حرف تعریف دارای نشانه «را» در زبان فارسی را حالت وابسته و اعطای آن را مطابق با رویکردهایی نظیر بیکر (۲۰۱۵) و پرمینجر (۲۰۱۴، ۲۰۱۱) در حوزه نحو می‌دانند. همچنین، جایگاه فرود مفعول‌های گیرنده تکواژ «را» را جایگاه شاخص پایین‌تر گروه فعلی کوچک می‌دانیم؛ بدین ترتیب با قراردادن فاعل در جایگاه شاخص بالاتر گروه فعلی کوچک که مطابق با نظر درزی و انوشه (۱۳۸۹) در آن جایگاه، حالت ساختاری دریافت‌نمی‌کند، زمینه اعطای حالت مفعولی به مفعول مستقیم فراهم می‌شود. بدین صورت که این مفعول در سازه‌فرمانی گروه اسمی فاعل و هر دو در حوزه V + I قرار دارند.^(۹)

به اعتقاد نگارندگان، در مورد حالت فاعلی نیز رویکرد لوین و پرمینجر (۲۰۱۴) با عنوان حالت بی‌نشان^۱ در زبان فارسی قابل اجراست. در این دیدگاه، مطابق با ساختار سلسه مراتبی مرننز (۲۰۰۱) و بابلیک (۲۰۰۸) حالت فاعلی، نتیجه تعامل هسته I/T و قرارگیری در حوزه پیشنهادی بابلیک (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸) و درزی (۱۳۸۸) خواهد بود. این نظام سلسله‌مراتبی را می‌توان در بازنمایی خطی (۲۷) از نظر گذراند.

(27) unmarked case >> dependent case >> lexical/oblique case



accessible for φ -agreement

(لوین و پرمینجر: (۹)، ۲: ۲۰۱۴)

۶. تظاهر چندگانه نشانگر حالت در گروه‌های حرف تعریف شکافته

در خصوص رخداد بیش از یک «را»، رویکرد نگارندگان قائل شدن به فرایند زیرخروج

¹ unmarked case

است. تعریف این فرایند را که به عنوان فرایندی رایج در ساخت‌های گروه حرف تعریف (مبتداسازی) شکافته سایر زبان‌ها شناخته شده‌است، می‌توان در (۲۸) از نظرگذراند.

(۲۸) عنصر مبتداسازده از درون یک گروه حرف تعریف واحد خارج می‌گردد و عنصر باقی‌مانده (Rem) درون گروه حرف تعریف اصلی باقی‌می‌ماند.^(۱۰) (اوت: ۱ (۳۹))

(۲۰۱۱) در زبان فارسی نیز با توجه به شواهد مختلفی که تحلیل آن‌ها در بخش چهارم آمد، مشاهده کردیم تظاهر بیش از یک مورد «را» نتیجه فرایند زیرخروج با انگیزه مبتداسازی از درون حرف تعریف اصلی است. بدین معنا که در تمام نمونه‌های مورد بررسی در بخش چهارم، با لحاظ ارتقای فعل اصلی از حوزه گروه فعلی کوچک به گروه زمان و شکل‌گیری $V+I$ ، ابتدا گروه اسمی هسته‌انتهای، با فرایند فراگشت مفعول، در شاخص پایین‌تر گروه فعلی کوچک قرار می‌گیرد. سپس مطابق با انگاره بیان‌شده در (۲۶) و بر اساس نظام سلسله‌مراتبی اختصاص حالت در (۲۷)، تکواژ حالت‌نمای «را» با رویکرد حالت وابسته به کل زنجیره مورد نظر تعلق می‌گیرد. در ادامه اشتقاق، همسو با فرایند زیرخروج در زبان‌هایی نظیر آلمانی و به تبعیت از ریمنسجیک^۲ (۱۹۸۹)، تپ^۳ (۱۹۸۹) و بسیاری دیگر از زبان‌شناسان، یکسانی حالت در این دسته از گروه‌های حرف تعریف شکافته را ناشی از فرایند زیرخروج می‌دانیم. در این رویکرد، هر کدام از عناصر خارج‌شده از درون گروه حرف تعریف اولیه، «را»ی اختصاص‌یافته به کل زنجیره را در سطح آوایی با خود حمل می‌کند. شایان ذکر است، درج واژه‌بست مضاعف حاصل از این زیرخروج‌ها و همچنین قرارگیری ذیل برچسب گروه حرف تعریف، مجموعه‌عواملی هستند که امکان تظاهر تکواژ «را» در کنار عناصر صفتی باقی‌مانده را فراهم می‌آورند. همچنین، با نظر به رویکرد اعطای حالت فاعلی که در بخش پیشین بدان اشاره شد، فرایند زیرخروج، برای حالت مضاعف فاعلی نیز قابل تعمیم خواهد بود. لازم به یادآوری است حالت فاعلی اخیر در زبان فارسی نمود آوایی ندارد و در ساخت‌هایی نظیر (۳) و (۴) که در بخش مقدمه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شد نشانگر حالتی با جوهر آوایی به چشم نمی‌خورد.

1. Ott, D.2. Riemsdjik, H.V.3. Tappe, H-T.

۷. نتیجه

در این پژوهش، ابتدا از بین عوامل تولید ساخت دارای نشانگر چندگانه حالت‌نمای نحوی «را»، مهم‌ترین عامل را شکافت در گروه حرف تعریف دانستیم و بر پایه آموزه‌های نظری برنامه کمینه‌گرا، با فرضیه انگاشت تناظر و همسانی بین گروه حرف تعریف و جمله، قائل به وجود گروه حرف تعریف شکافته در زبان فارسی و حضور فراقن‌های مبتدا و تأکید در این دسته از گروه‌های نحوی شدیم. سپس پیش از ورود به تحلیل ساخت‌های نمونه این پژوهش، توالی زیرساختی ساخت‌های مورد نظر در فارسی را معرفی کردیم. در بخش چهارم، در پرتو مباحث مطرح‌شده، ساختمان گروه حرف تعریف شکافته در قالب بازنمایی‌های نحوی به‌دست‌داده‌شد. در بخش پنجم، در باب چگونگی تظاهر تکواژ «را» و همتای فاعلی آن در زبان فارسی، قائل به رویکرد حالت وابسته برای ساخت‌های مفعولی و حالت بی‌نشان برای ساخت‌های فاعلی شدیم و بدین ترتیب با تحلیلی یکسان، نظام حالت سلسله‌مراتبی را در خصوص فاعل و مفعول‌های زبان فارسی پیشنهاد دادیم. نحوه حالت‌گیری گروه‌های حرف تعریف شکافته مفعولی را نیز در بخش ششم بیان کردیم و تظاهر «را» مضاعف را حاصل فرایند زیرخروج در سطح آوایی دانستیم. سرانجام، به این امر قائل شدیم که فرایند زیرخروج قابل تعمیم به گروه‌های فاعلی دارای حالت فاعلی مضاعف نیز است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در زبان فارسی برخی دیگر از مفعول‌هایی که ارجاعی مشخص در جهان خارج ندارند نیز امکان دریافت تکواژ «را» را دارند. مانند نمونه «آدم‌ها را خوب‌هاشون نباید اذیت کرد». با توجه به مواردی از این دست می‌توان گفت در ساختمان این دسته از مفعول‌های مستقیم نیز امکان ایجاد شکافت در گروه حرف تعریف و در نتیجه تظاهر چندگانه «را» وجود خواهد داشت؛ بنابراین به‌ظاهر در زبان فارسی، وجود مفعول «رای» و نه صرفاً مشخص‌بودگی عامل بالقوه ایجاد گروه حرف تعریف شکافته با تظاهر چندگانه «را» است. شایان ذکر است، کریمی (۲۰۰۵) تکواژ «ها» را در این دسته از گروه‌های حرف تعریف نشانه‌ای می‌داند که آنها را به اسم مشخص تبدیل می‌کند.
۲. یکی از زبان‌های خانواده کارتولین و دارای توالی SOV است. این زبان در منطقه گرجستان حدود سه میلیون سخنور دارد.
۳. خوانش گروه حرف تعریف شکافته جمله (۱۲) در زبان گرجی، به نقل از فاخس (۲۰۱۷) به صورت زیر است

$$\{DP_2 [TopP \text{ As for boys } [DP_1 [FocP \text{ three (boys)}]]]\dots$$
۴. در پژوهش حاضر رویکرد حضور فاعل در گروه فعلی کوچک را برگزیده‌ایم؛ از این جهت که انگاشت حضور فاعل در شاخص گروه جهت یا voiceP نیز تغییری در تحلیل این مقاله ایجاد نخواهد کرد.

۵. کهنمویی‌پور (۲۰۱۴:۱۷) در زیرنگاشت مقاله خود عنوان می‌کند دلیل لحاظ کردن فراقکن مطابقه و حرکات مربوط به آن این است که در برخی زبان‌های ایرانی مانند کردی سورانی کسره اضافه نشانگر تطابق ساخت‌واژی است. نگارندگان نیز معتقدند به‌نظر می‌رسد در زبان فارسی ساخت‌های موصوف و صفتی که دارای فرایند توافق در ویژگی شمار جمع (ها) هستند؛ مانند نمونه (۱۳) ب در بالا می‌توانند شاهدی دیگر بر وجود این فراقکن باشند.

۶. نگارندگان بر خود واجب می‌دانند از جناب آقای دکتر مزدک انوشه به دلیل یادآوری این مطلب قدردانی نمایند.

۷. مقصود از حوزه در این‌جا همان فاز است.

۸. حرکت هسته فعلی گروه فعلی بزرگ به سمت گروه فعلی کوچک و ارتقای هسته گروه فعلی کوچک به سمت هسته زمان در این بخش مسلم دانسته شده است و به تسامح از عنوان V و نه V استفاده کرده‌ایم.

۹. در دیدگاه نگارندگان، در زبان فارسی سازه‌هایی نظیر «شاهنامه فردوسی» در مثال زیر نیز ظاهراً نه یک گروه اسمی (NP)؛ بلکه یک گروه حرف تعریف (DP)، به لحاظ معنایی مشخص و البته به صورت بالقوه نیز قادر به دریافت تکواژ «را» هستند. این دسته از اسامی مشخص همسو با آراء دیزینگ (Diesing) (۱۹۹۲)، بیکر و وینوکوروا (۲۰۱۰) و بسیاری دیگر از زبان‌شناسان صرفاً بدین سبب که در حوزه وجودی (existential closure) - که در این‌جا همان حوزه گروه فعلی بزرگ است - گرفتار آمده‌اند امکان دریافت «را» را ندارند. مثال:

من به علی [DP شاهنامه فردوسی] دادم.

بنابراین، پیش‌بینی می‌شود گروه‌های حرف تعریفی که ارجاعی مشخص در جهان خارج ندارند؛ مانند «گل» در جمله نمونه زیر نیز اگر پس از خروج از حوزه وجودی به حوزه مورد نظر وارد شوند مطابق با انگاره بیان-شده در (۲۶) همچنان امکان دریافت تکواژ «را» را داشته باشند:

«گل رُ نباید چید.»

رویکرد حالت وابسته همچنین پیش‌بینی می‌کند سایر عناصری که به هر طریقی با فرایند فراگشت مفعول یا قلب نحوی به این حوزه وارد می‌شوند نیز بتوانند تکواژ «را» را دریافت کنند؛ مانند نمونه زیر که در آن شاهد قلب نحوی فاعل بند درونه هستیم. در این نمونه همان‌گونه که مشاهده می‌شود هیچ هسته نقش‌نمای فعل متعدی‌ای حضور ندارد.

«(ما) خوشحالیم [که علی بی‌گناهه] = «(ما) علی؛ رُ خوشحالیم [که بی‌گناهه].»

۱۰. اختصاص چند «را» با نظام حالت وابسته را می‌توان با رویکرد هیرایوا (Hiraiwa) (۲۰۰۱) نیز تبیین نمود. در این رویکرد، پس از شکل‌گیری گروه حرف تعریف شکافته، با فرایند فراگشت مفعول، زنجیره مورد نظر با ورود به حوزه V + I تحت سازه‌فرمانی فاعل قرار می‌گیرد. قرارگیری در این جایگاه ساختاری موجب می‌گردد تکواژ «را» به یک‌باره به زنجیره مورد نظر که ممکن است شامل دو یا سه گروه حرف تعریف باشد اختصاص یابد. این رویکرد همچنین قابل تعمیم به زنجیره دارای حالت چندگانه فاعلی مانند نمونه‌های (۳) و (۴) در مقدمه این مقاله نیز است. برای آگاهی بیشتر از این رویکرد و چگونگی کارکرد آن در زبان فارسی ر.ک:

Darzi, A. and S. Kwak. 2015. Syntax and Semantics of Subjunctive Clauses in Persian, *Lingua* 153, no. 1: 1-13.

منابع

- تفکری رضایی، ش. (۱۳۸۹). اصل فرافکنی گسترده، پوچ‌واژه و مطابقه در زبان فارسی، رسالهٔ دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۸۳). زبان فارسی و نظریه‌های زبانی: در جستجوی چارچوبی برای تدوین دستور جامع زبان فارسی، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعهٔ مقالات)، ۲۶۷-۲۳۰.
- درزی، ع و م، انوشه. (۱۳۸۹). حرکت فعل اصلی در فارسی، زبان‌پژوهشی، ۲(۳)، ۵۵-۲۱.
- درزی، ع. (۱۳۸۸). حالت و تطابق در ساخت ارتقای از درون جملات خودایستا، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران ۶۰، ۱۸۹: ۱۰۹-۷۳
- مرزبان، ز و ع، درزی (۱۳۹۳). تأثیر انجماد بر گروه حرف تعریف فاعلی در زبان فارسی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- Alexiadou, A. 2014. *Multiple Determiners and the Structure of DPs*, John Benjamins Publishing Company.
- Baker, M and N. Vinokurova 2010. Two Modalities of Case Assignment: Case in Sakha, *Natural Language & Linguistic Theory* 28:593-642.
- Baker, M. 2015. *Case its principle and its Parameters*, Cambridge University Press.
- Bobaljik, J. D. 2006. Where's phi? Agreement as a post-syntactic operation, Ms. University of Connecticut.
- Bobaljik, J. D. 2008. *Where's phi? Agreement as a post-syntactic operation*. In *Phi Theory: phi-features across interfaces and modules*, eds. Daniel Harbour, David Adger & Susana Béjar, 295-328. Oxford: Oxford University Press.
- Chomsky, N. 1995. *Categories and Transformations*, In the Minimalist Program (chapter4), 219-394. Cambridge, MA: MIT Press.
- Cinque, G. 1994. On the Evidence for Partial N-Movement in the Romance DP, in G.Cinque, J. Koster, J. Pollack, L. Rizzi & R. Zanuttini (eds), *Path towards Universal Grammar*. Studies in Honor of Richard Kayne, Georgetown University Press, Washengton D.C.
- Cinque, G. 2010. The Syntax of Adjectives: A Comparative Study, *Linguistic Inquiry*, Monograph 57. MIT Press, Cambridge.
- Citko, B. 2014. *Phase Theory an introduction*, Cambridge University Press.
- Dabir moghaddam, M. 2003. Zaban e Farsi va Nazariyeha ye Zabani: Dar Jostuju ye Charchubi baraye Tadvin e Dastur Jame e Zaban E Farsi, *Pajuheshha ye Zabanshenakhti ye Farsi (Majmue Maghalat)*, 230-267 [In Persian].
- Darzi, A. and S. Kwak. 2015. Syntax and Semantics of Subjunctive Clauses in Persian. *Lingua* 153, no. 1: 1-13.

- Darzi, A. & M. Anoushe. 2010. Harkat e Fe'1 e Asli dar Zaban e Farsi, *ZabanPajuhi*, 2(3),21-55 [In Persian].
- Darzi, A. 1996. Word order, NP-Movement and Opacity Condition in Persian, Ph.D Dissertation, University of Illinois.
- Darzi, A. 2006. Small clause in Persian, *J. Humanities* Vol. 13 (1): 13 - 30.
- Darzi, A. 2009. Halat va Tatabogh dar Sakht e Ertegħa az Darun e jomalat e Xodista, *Majale ye daneshkade ye Adabiyat va Olum e Ensani*, Daneshgah e Tehran, 60, 189: 73-109
- Diesing, M. 1992. *Indefinites*. Cambridge: MIT Press.
- Dikken, M, den. 2006. *Relators and Linkers the Syntax of Predication, Predicate Inversion, and Copulars*, A Bradford Book, the MIT Press, Cambridge, Massachusetts, London, England.
- Fanselow, G. and C. Frey. 2006. *Prosodic and Morphosyntactic Aspects of Discountinuous Noun Phrases: A Comparative Perspective*. Ms, University of Postdam.
- Fuchs, Z. 2017. Movement vs. Base-generation in Georgian Split DPs, Retrieved: <https://scholar.harvard.edu>.
- Ganjavi, Sh. 2007. Direct Object in Persian, Ph.D Dissertation, University of Southern California.
- Ghomeshi, J. 1997. Topic in Persian VPs, *Lingua*, 102:133-167
- Giusti, G. and R. Iovino. 2016. Latin as a split-DP language, Retrieved: onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/stul.12045/full.
- Giusti, G. 2017. Demonstrative as arguments and modifiers of N, Coniglio & Veenslra, *Alyptical Demonstratives: Syntax, Semantics and Pragmatics*, Berlino, *Moulon de Gryler*.
- Hiraiwa, K. 2001, Multiple Agree and the Defective Intervention Constraint in Japanese, *MIT Working in linguistics*, 40, 67-80.
- Jayaseelan, k. A. 2001. IP Internal Topic and Focus Phrase, DOI: 10.1111/1467-9582.00074.
- Kahnemuyipour, A. 2014. Revisiting the Persian Ezafe Construction: A Roll-up Movement Analysis, *Lingua*, 150, 1-24.
- Karimi, S. 2005. *A Minimalist Approach to the Scrambling*, Mouton de Gryter Berlin. New York.
- Kuno, S. 1973. *The Structure of Japanese Language*, Cambridge: MIT Press.
- Levin, T. and O. Preminger. 2014. Case in Sakha: Are Two Modalities Really Necessary? *Nat Lang Linguist Theory*. 33, no.1, 231-250.
- Marantz, A. 1991. Case and Licensing, In *ESCOL 91: Proceeding of the Eight Eastern State Conference on Linguistics*, 234-253.
- Marzban, Z. and A. Darzi. 2013. Ta'sir e Enjemad bar Goruh e Harf e Ta'rif e Faeli dar Zaban e Farsi, *Payanname ye karshenasi ye Arshad*, Daneshgah e Tehran, Tehran, Iran [In Persian].

- Ott, D. 2011. *Local Instability and the Syntax of Split Topics*, Ph.D Dissertation, Harvard University.
- Preminger, O. 2014. *Agreement and its failures*, Linguistic Inquiry Monographs, Number 68, Cambridge, MA: MIT Press.
- Preminger, O. 2011. *Agreement as a fallible operation*. Doctoral dissertation, Cambridge, MA: MIT.
- Putnam, M.T. 2006. *Scrambling and the Survival Principle*, Linguistic Actual/Linguistic Today(LA),V 115.
- Riemsdjik, H.v.1989. Movement and Regeneration in Dialect Variation and the Theory of Grammar, ed. Poda Benincà, *Dordrecht: Foris* 105-136.
- Rizzi, L. 1997. The Fine Structure of the Left Periphery, Retrieved: https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-011-5420-8_7.
- Shlonsky, U. 2004. The Form of Semitic Noun Phrase, *Lingua*. 114 (12), 1465-1526.
- Siddiqi, D. 2009. *Syntax within the Word*, John Benjamin Publishing Company.
- Sportiche, D. 1992. Clitic Construction, M.s., University of California Los Angeles.
- Tafakkori Rezaee, Sh. 2010. *Asl e Farafekan e Gostarade, Puchvaje va Motabeghe dar Zaban e Farsi*, Resle ye doctori, Daneshgah e Tehran, Tehran, Iran.[In Persian]
- Tappe, H-T. (1989). A Note on Split Topicalization in German. In *Syntactic Phrase and Sentences*, ed. Christa Bhatt, Elisabeth Löbel, and Claudia Maeia Schmidt, 159-179. Amesterdam: John Benjamins.
- Torshizi, N. & E. Service. 2018. The Structure of Persian Compound Words in the Mental Lexicon, Retrieved: [https:// www. researchgate. Net / publication / 327799193](https://www.researchgate.net/publication/327799193).
- Wager, J.S. 1983. *Complementation in modern Arabic*, Ph.D Dissertation, MIT.

